

الزامات فرهنگی بسط فرهنگ انفاق در جامعه با تاکید بر ایام همگیری کووید 19

مسعود زینالعبدین؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شهید رجایی
دکتر علیاکبر عبدالآبادی؛ عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و ادیان در دانشگاه
شهید بهشتی

چکیده

در فرهنگ قرآنی، مفهوم «انفاق» از جمله مفاهیم کلیدی و اساسی محسوب می-
شود که در همه ایام، بهویژه در دوران ابتلائی چون کووید 19 کارکرد فراوانی در
ایجاد انسجام اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی و دستگیری از کسانی که به
مشکلات اقتصادی دچارند، دارد. مفهوم «انفاق» جایگاه مهمی در ساختمان معنایی
مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و اِخبات دارد. بر اساس آیات قرآن، فرهنگ
انفاق الزاماتی دارد که عبارتند از اینکه انفاق باید در راه خدا و مبتنی بر انگیزه‌های
ایمانی، به دور از مَنّت و اذیت و ریا، مبتنی بر اعتدال، بهموقع و سریع، پنهانی،
مبتنی بر نگاه توحیدی، و با همه امکانات، ولو واسطه‌گری، باشد و از طیبها و
محبوبها انفاق شود. همچنین، کارکردهایی بر انفاق مترتبند که شامل بازگردانده
شدن کامل (توفیه) مال انفاقشده، مُضاعَف شدن مال، اجر عظیم، مغفرت،
فضل، رحمت خدا، بیخوفی و بیحزنی، تکفیر گناهان، ایتای حکمت، عاقبت نیکو و
بهشت است. حرص مال، بخل، ترس از فقر، تنگنظری، باورهای خطا و مسؤولیت-
ناپذیری، دوری از ذکر خدا و تعلق شدید به اموال و اولاد، تکبر و فخرفروشی نیز
موانع عمده روانی و تربیتی انفاق محسوب میشوند.

واژه‌های کلیدی:

انفاق، بخل، کووید 19، فرهنگ، کرونا، ایمان، تقوا.

بیان مسأله

همگیری کووید 19 از جمله تحولات خاص در جامعه بشری در عصر حاضر است
که در ابعاد گسترده‌های بر زندگی بشر تاثیر گذاشته است. این همگیری با تعطیلی
گسترده مشاغل و کسبوکارها، تغییر الگو و سبک زندگی انسانها، کاهش ارتباطات
و تعاملات چهره‌به‌چهره و افزایش سیطره فضای مجازی بر زندگی بشر، تاثیرات
زیادی بر الگوی زیست انسانها نهاده است. از جمله مشکلات ناشی از این هم-
گیری، مشکلات اقتصادی است که برای انسانها ایجاد شده اند. قرنطینه‌های
مستمر، کاهش درآمد و قدرت خرید مردم، مشکلات اقتصادی و نابودی برخی

کسبوکارها سبب شده است که مشکلاتی اقتصادی در اکثر کشورها ایجاد شوند. در فرهنگ قرآنی، مفهوم «انفاق» از جمله مفاهیم کلیدی و اساسی محسوب می‌شود که در همه ایام، به‌ویژه در دوران ابتلائی چون کووید 19، کارکرد فراوانی در ایجاد انسجام اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی و دستگیری از کسانی که به مشکلات اقتصادی دچارند، دارد. در جامعه ایرانی نیز همزمان با آغاز این همه‌گیری، جلوه‌های متنوع و تاثیرگذاری از این فرهنگ به دست آحاد مردم به نمایش گذاشته شد. بر تصمیمگیران و متولیان فرهنگی کشور لازم است که با معرفی و گسترش این فرهنگ قرآنی، هم گامهای بلندی برای رفع بخشی از مشکلات طبقه محروم جامعه بردارند و هم، از این رهگذر، به افزایش انسجام اجتماعی و توسعه و ترویج فرهنگ انفاق در جامعه پردازند.

ما در این مقاله، همه آياتی را که ریشه «ن ف ق» در آن به کار رفته است، احصا کرده‌ایم و کوشیده‌ایم که، با استفاده از روش «معناشناسی (تحلیل معناشناختی)»، ساختمان معنایی «انفاق» و مفاهیم مرتبط با آن را شناسایی کنیم و الزامات فرهنگی انفاق را با استفاده از آیات قرآن استخراج و بیان کنیم.

معنای «انفاق» در قرآن

انفاق یکی از فضیلت‌های اخلاقی اصلی است که در قرآن توجه زیادی به آن شده است. انفاق عبارت است از بذل مال و عدم تعلق به آن، حال چه بذل مال در قالب پرداخت‌های واجب مثل زکات و خمس و... باشد، و چه بذل ماه در قالب پرداخت‌های مستحب مثل صدقه؛ چرا که در قرآن، نفقه¹ و مهریه² زنان نیز تحت عنوان انفاق آمده است.

واژه «انفاق» و مشتقاتش 82 بار به صورتهای مختلف در قرآن به کار رفته است. خدا همواره مردم را به انفاق در راه خود تشویق و ترغیب کرده است. به عنوان مثال، در آیهای از قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی هست و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و کافران خود ستمکارانند. (بقره: 254)

در آیهای دیگر، درباره عواقب اطاعت نکردن از این دستور چنین آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان

¹. نساء/34، طلاق/6-7

². ممتحنه/10-11

آوردهاید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را بهناروا
مخورند، و [آنان را] از راه خدا باز مدارند، و کسانی که زر و سیم را
گنجینه میکنند و آن را در راه خدا هزینه نمکنند، ایشان را از عذابی دردناک
خبر ده. (توبه: 34)

یکی از راههای دریافت معنای انفاق در قرآن، بررسی مقابل معنایی آن است.
«بخل» مقابلی است که در آیات قرآن در برابر انفاق آمده است و آیات قرآن به-
شدت از آن نهی کردهاند. به عنوان مثال، در قرآن میخوانیم:

و لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ
لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا تَخَلَّوْا بِهِ تَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ
اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا
کرده، بخل مسورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است،
بلکه برایشان بد است. بهزودی آنچه به آن بخل ورزیدهاند، روز قیامت
طوق گردنشان میشود. میراث آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا به
آنچه میکنید آگاه است. (آل عمران: 180)

بخل در آیات دیگری هم تبیین شده است³ که از ذکر آنها خودداری میکنیم و به
ذکر این نکته بسنده میکنیم که در این آیات، بخل به معنای خودداری از بذل مال
آمده است و از عواقب شوم آن انذار داده شده است.
با این مقدمه، اکنون به بررسی این پرسش میپردازیم که، بر اساس آیات
قرآن، انفاق باید چگونه انجام شود؟

الزامات فرهنگ انفاق در قرآن انفاق؛ فقط در راه خدا

انفاق فقط در صورتی پذیرفته است که در راه خدا و برای کسب رضایت او انجام
شود، وگرنه نیتهای انحرافی چون کسب جایگاه و محبوبیت اجتماعی یا کاربردهای
نامشروعی چون انفاق برای امور غیرشرعی، هیچ اجر و پاداشی به همراه ندارد.
این نکته در آیه زیر بیان شده است:

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ
فَلَا تُنْفِقُوا إِلَّا اتِّعَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَ
أَنْتُمْ لَا تُظَلَمُونَ؛ هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد
هدایت میکند، و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و [لی] جز
برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنید، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش]

³ نساء/37، توبه/75-77، محمد/37-387، حدید/23-24، لیل/11-8

آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت.
(بقره: 272)

نقش انگیزه‌های شخص انفاقکننده در انفاق

طبق آیات قرآن، فقط انفاقی پذیرفتنی است که مؤمنان انجامش دهند؛ یعنی، انگیزه‌های شخص منفق در قبول یا ردّ انفاق موثرند. به عنوان مثال، در آیه زیر از مردود بودن انفاق کفار سخن رفته است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ سِنًا وَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ؛ کسانی که کفر ورزیدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دفع نخواهد کرد، و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود * مثل آنچه [آنان] در زندگی این دنیا [در راه دشمنی با پیامبر] خرج میکنند، همچون مثل بادی است که در آن، سرمای سختی است که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند، بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم کرده‌اند* (آل عمران: 116-117)

میبینیم که در آیه فوق، انفاق کافران بیارزش دانسته شده است. در آیه دیگری انفاق آنان مایه حسرت و اندوهشان دانسته شده است⁴، یا در آیه دیگری به صراحت بیان شده که انفاق فاسقان پذیرفته نمیشود⁵.

انفاق؛ به دور از منت، ادبیت و ریا

منت، ادبیت و ریا سه آفتیاند که خاصیت و اثر انفاق را از بین میبرند، چرا که انفاق باید کریمانه باشد. این نکته در آیات زیر آمده است:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لَا أَدَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ * قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَدَى وَ اللَّهُ عَنَى حَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَدَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ * وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَنبِيئًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ تَخِيلٍ وَ أَغْنَابٍ تَجْرِي مِنْ

⁴ انفال/36

⁵ توبه/53-54

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَاصَابَهَا
 إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ؛
 کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق میکنند، سپس در پی آنچه انفاق
 کرده‌اند، منت و آزاری روا نمیدارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان
 [محفوظ] است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمیشوند * گفتاری
 پسندیده [در برابر نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندی آنان] بهتر از
 صدقه‌های است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بنیاز بردبار است *
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل
 مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق میکند و به
 خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس، مَثَلِ او همچون مَثَلِ سنگ خارا
 است که بر روی آن خاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن
 [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [ریاکاران] نیز از آنچه به
 دست آورده‌اند، بهره‌ای نمبرند و خداوند گروه کافران را هدایت نمکند * و
 مَثَلِ [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و
 استواری روحشان انفاق میکنند، همچون مَثَلِ باغی است که بر فراز
 پشت‌های قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد،
 و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند
 به آنچه انجام مدهید بیناست * آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از
 درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای
 او در آن [باغ] از هر گونه میوه‌ای [فراهم] باشد، و در حالی که او را پیری
 رسیده و فرزندانی خردسال دارد، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند
 و [باغ یکسر] بسوزد؟ این گونه، خداوند آیات [خود] را برای شما روشن
 میگرداند، باشد که شما بیندیشید* (بقره: 266-262)
 آیه کاملاً واضح است و نیاز به هیچ تبیینی ندارد. در این آیه منت و اذیت پس از
 انفاق و نیز ربا سه چیزباند که در انفاق نهی شده‌اند.

اعتدال در انفاق

از جمله مواردی که در انفاق باید بدانها توجه کرد، رعایت اعتدال است؛ یعنی،
 انفاق باید نه مسرفانه باشد و نه بخیلانه. در آیهای از قرآن میخوانیم:
 وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ و کسانی‌اند
 که چون انفاق کنند، نه ولخرجی میکنند و نه تنگ میگیرند، و میان این دو
 [روش] حدّ وسط را برمگزینند. (فرقان: 67)
 طبق این آیه، انفاق باید نه مسرفانه و بیرویه باشد و نه بخیلانه و تنگنظرانه، بلکه
 باید حدّ وسطی بین این دو را انتخاب کرد.

بهترین انفاق؛ انفاق بهموقع و سریع

یکی دیگر از مواردی که باید در هنگام انفاق رعایت کرد، بهموقع بودن آن است تا بتواند دردی را دوا کند و گرهی را بگشاید و، به تعبیری، نوشداروی بعد از مرگ سهراب نباشد. به عنوان مثال، به آیه زیر توجه کنید:

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلًا أُولَئِكَ أَكْبَرُ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ؛ و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمکنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلق دارد؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند، [با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند؛ و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (حدید: 10)

این نشان می‌دهد که در انفاق هرچه بیشتر عجله شود، بهتر است و نزد خدا محبوبتر است و منزلت و اجرش بیشتر، چرا که بیشتر میتواند شخص انفاقکننده را به مقصد برساند و در رفع مشکلات مفید افتد. البته، انفاق دیرتر هم مآجور است، ولی در مقام مقایسه این دو با هم برابر نیستند.

انفاق پنهانی بهتر از انفاق آشکارا

یکی دیگر از نکاتی که درباره کیفیت انفاق بیان شده، این است که انفاق پنهانی در مقایسه با انفاق آشکارا بهتر و پسندیده‌تر است، چرا که عزت و آبروی نیازمند را بیشتر حفظ میکند و برای خود انفاقکننده هم آثار تربیتی بیشتری در پی دارد و وی را به غرور دچار نمیکند. در این باره، به آیه زیر توجه کنید:

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ إِنْ تُخْفُوهَا وَ تُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ؛ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، این کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است و بخشی از گناهانتان را می‌زداید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (بقره: 271)

البته، انفاق آشکار و پنهان، هر دو، پسندیده‌اند و هر دو مآجورند⁶.

نگاه توحیدی در انفاق

هر آنچه انسان در حیات دنیوی از آن بهره‌مند است، رزقی از جانب خداست و کسی بدون عنایت او نمیتواند صاحب چیزی شود. اگر بخواهیم دقیقتر سخن

بگویم، باید گفت که کسی صاحب چیزی نیست، چرا که همهی بهاصطلاح دارایی-های ما، در اصل، متعلق به خدایند و وقتی ما چیزی را انفاق میکنیم، در حقیقت، از مال خدا برای تقرّب به خدا انفاق میکنیم؛ گویی از سرمایه کسی برای خودش هدیه‌های تهیه کرده‌ایم تا مهر او را جلب کنیم. بر این اساس، در آیاتی که در آنها از انفاق سخن رفته است، بر این نکته تأکید شده که متعلق انفاق همواره چیزی است که خدا به شما روزی داده است. پس، به این امر واقف باشید و مبدا ادّعی استقلال کنید و چنین گمان کنید که خودتان مستقل از خدا و روزی و توفیق او می-توانید کاری انجام دهید. این نکته را از آیات فراوانی که در آنها تعبیر «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» آمده است، میتوان دریافت.⁷

واسطه‌گری در انفاق

یکی دیگر از نکاتی که در قرآن درباره انفاق بیان شده است، واسطه‌گری است؛ یعنی، حتی اگر شخصی خودش تمکن کافی برای انفاق نداشته باشد، با معرفی نیازمندان به توانگران میتواند در انفاق مشارکت جوید. به عنوان مثال، در قرآن میخوانیم:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ؛ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ درباره شراب و قمار از تو میپرسند. بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و [لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است!»؛ و از تو میپرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «ما زاد [بر نیازمندی خود] را». اینگونه، خداوند آیات [خود را] برای شما روشن مگرداند، باشد که در [کار] دنیا و آخرت بیندیشید. (بقره: 219)

طباطبایی درباره معنای «عفو» در این آیه مینویسد:

«کلمة (عفو) به طوری که راغب گفته به معنای آن است که به سوی چیزی خم شوی تا آن را بگیری؛ این معنای اصلی کلمة نامبرده است، لیکن از آنجایی که عنایات مختلفهای در کلام پیدا شد، ناگزیر کلمة نامبرده را در معانی مختلفهای استعمال کردند، مانند آمرزش، و محو کردن اثر، و واسطه شدن در انفاق، که همین معنای اخیر منظور آیه است» (طباطبائی، 1374، ج 2، ص 294)

انفاق از طیبها و محبوبها

بعضی از مردم عادت دارند که از اموال بارزش خود و آنچه تقریباً از مصرف افتاده و سودی برای خودشان ندارد، انفاق کنند. چنین انفاقهایی علاوه بر اینکه

⁷. به عنوان مثال، در: قصص/54-52 و شوری/36-39

سود چندانی به حال نیازمندان ندارد، اهانت و تحقیری درباره آنان است و موجب تربیت معنوی و پرورش روح انسان نیز نمیشود.

بر این اساس، در آیهای از قرآن به انفاق از طیبات اموال توصیه شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا يَتَمَنَّوْا الْحَيْثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَا تَسْتُمِ بِأَخِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَنَىٰ حَمِيدٌ؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید، از چیزهای پاکیزهای که به دست آوردهاید و از آنچه برای شما از زمین برآوردهایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن را [اگر به خودتان ممدادند] جز با چشمپوشی [و بمیلی] نسبت به آن، نمگرفتید، و بدانید که خداوند، بنیاز ستوده [صفات] است*(بقره:267)

همچنین، در آیهای دیگر بیان میشود که اگر میخواهید به برّ و نیکی برسید، باید چنان خودتان را تربیت کنید که از محبوبهائتان انفاق کنید و چنین نباشد که چیزی را انفاق کنید که خودتان دوست ندارید و میخواهید خودتان را از آن راحت کنید:

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ؛ هرگز به برّ نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.(آل عمران:92)

افراد مستحقّ برای دریافت انفاق

اینکه چه کسانی مستحقّ دریافت انفاقند یا در اولویّت قرار دارند، در آیات قرآن بیان شده است. این افراد عبارتند از: نیازمندان واقعی و آبرومند⁸، والدین، نزدیکان، یتیمان، مستمندان و درماندگان.⁹

انفاق فقط پرداختهای مستحب را شامل نمیشود

در برخی آیات، از نفقه¹⁰ و مهریه¹¹ زنان نیز با عنوان «انفاق» یاد شده است و این نشان میدهد که انفاق صرفاً پرداختهای مستحب را شامل نمیشود و پرداختهای واجب نیز مصداق انفاقند.

آثار و نتایج انفاق

از جمله اموری که باید در ترویج فرهنگ قرآنی انفاق بدان توجّه کرد، توجّه دادن مردم به آثار و نتایج انفاق است. در برخی آیات قرآن آثار و نتایجی برای انفاق در راه خدا برشمرده شدهاند که آنها را بیان میکنیم:

⁸ بقره/273

⁹ بقره/215

¹⁰ نساء/34، طلاق/6-7

¹¹ ممتحنه/10-11

بازگشت کامل (توفیه) مال انفاقشده

قرآن به انفاقکنندگان وعده‌ی قطعی داده است که آنچه در راه خدا میبخشند، به طور کامل به آنان بازگردانده خواهد شد. در این باره در قرآن میخوانیم:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان- که شما نمشناسیدشان و خدا آنان را مشناسد- بترسانید؛ و هر چیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش [به طور کامل] به خود شما بازگردانیده میشود و بر شما ستم نخواهد رفت. (انفال:60)

همچنین، در قرآن آمده است:

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بگو: در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد، گشاده یا برای او تنگ مگرداند؛ و هر چه را انفاق کردید، عوضش را او مدهد و او بهترین روز-دهندگان است. (سلا:39)

مُضَاعَف شدن و وسعت مال

خدا علاوه بر اینکه وعده‌ی بازگرداندن کامل مال انفاقشده را به انفاقکنندگان داده است، بیان کرده که اگر کسی مالش را انفاق کند، دوبرابر و چندبرابر به او بازگردانده خواهد شد و مالش وسعت و ازدیاد خواهد یافت. در این باره در قرآن میخوانیم:

وَمَا دَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَ كَانِ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا * إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَ يُوْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان مآوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق میکردند، چه زبانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] آنان داناست * در حقیقت، خدا هموزن ذرّهای ستم نمکند و اگر [آن ذره کار] نیکی باشد، دوچندانش میکند و از نزد خویش پاداشی بزرگ مبخشد* (نساء:39-40)

آیات مربوط به این موضوع فراوانند¹² و ما به ذکر آیه فوق بسنده میکنیم.

¹². به عنوان مثال، در: بقره/261، نساء/39-40، فاطر/30-29.

اجر، بیخوفی و بیحزنی، و تکفیر (پوشانیده شدن) گناهان

طبق آیات قرآن، برای انفاقکنندگان پاداش در نظر گرفته شده است. همچنین، آنان نه خوفی خواهند داشت و نه اندوهگین خواهند شد و گناهانشان نیز پوشانده خواهد شد:

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُبْعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (262) ... إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَبُكْفُرٌ عَيْنِكُمْ مِّنْ سَبَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (271) ... الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (274)*؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق میکنند، سپس در پی آنچه انفاق کردهاند، منت و آزاری روا نمیدارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمیشوند (262) ... اگر صدقها را آشکار کنید، این کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است و بخشی از گناهانتان را مزداید، و خداوند به آنچه انجام مدهید آگاه است (271) ... کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا انفاق میکنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین میشوند (274)*. (بقره: 262-274)

مغفرت، رحمت، فضل (فزونی) و حکمت

مغفرت، رحمت، فزونی و نیز اعطای حکمت و عده دیگری است که به انفاق-

کنندگان داده شده است:¹³

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ * وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ *؛ شیطان شما را از تهیدستی بیم میدهد و شما را به زشتی وامدارد [ولی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش میدهد، و خداوند گشایشگر داناست* [خدا] به هر کس که بخواهد، حکمت میبخشد، و به هر کس حکمت داده شود، بهیقین، خیری فراوان داده شده است و جز خردمندان کسی پند نمیگیرد* و هر نفقهای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کردهاید، قطعاً خداوند آن را مداند، و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.* (بقره: 268-270)

¹³. در آیات 98 و 99 از سوره توبه نیز مغفرت و رحمت به عنوان پاداش انفاق بیان شدهاند.

پاداش بر اساس بهترین اعمال

در آیات قبلتر هم دیدیم که خدا به انفاقکنندگان وعده پاداش داده است. اما در آیه زیر کیفیت این پاداش بیان شده و خدا پاداشی را که به بهترین اعمال فرد خواهد داد، به عنوان پاداش انفاق ذکر میکند؛ یعنی، پاداشی فراتر از عمل:

وَلَا يُنْفِقُونَ تَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيُحْزِنَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمکنند و هیچ وادی را نمیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته میشود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه میکردند، پاداش دهد. (توبه: 121)

عاقبت نیکو و بهشت

بزرگترین پاداشی که برای انفاقکنندگان در نظر گرفته شده است، سرانجام نیکو و ورود آنان به بهشت برین الهی است:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ * جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ *؛ و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی مزدایند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی * [همان] بهشتهای عدن که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانیشان که درستکارند، در آن داخل میشوند و فرشتگان از هر دری بر آنان درمیآیند * [و به آنان مگویند:] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید. راستی! چه نیکوست فرجام آن سرای!*(رعد: 24-22)

جمعبندی آثار و نتایج انفاق

طبق آیات فوق، این نتایج برای انفاق برشمرده شدهاند:

- ✓ بازگردانده شدن کامل (توفیه) مال انفاقشده.
- ✓ مُضَاعَف شدن و وسعت مال.
- ✓ اجر عظیم.
- ✓ مغفرت.
- ✓ فضل.
- ✓ رحمت.
- ✓ بیخوفی و بیحزنی.
- ✓ تکفیر (پوشانده شدن) گناهان.

- ✓ ایثای حکمت.
- ✓ عاقبت نیکو و بهشت.

مواع انفاق

از جمله اموری که در ترویج فرهنگ قرآنی انفاق باید بدانها توجه کرد این است که چه عواملی سبب میشوند که برخی انسانها از انفاق دوری کنند؟ در اینجا آیاتی را بیان خواهیم کرد که در آنها به عواملی پرداخته شده که سبب میشوند که فرد از بذل مال و انفاق فاصله گیرد. این عوامل عبارتند از:

حرص مال

یکی از مواع انفاق حرص شدید به مال دنیا است که ناشی از ضعف در نگرش افراد است. به عنوان مثال، به این آیه توجه کنید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتِطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس، تا متوانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید، و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگارانند. (تغابن: 16)

راغب مگوید: کلمه «شُح» به معنای بخل توأم با حرص است، البته نه در یک مورد، بلکه در صورتی که عادت شده باشد (راغب اصفهانی، 1412ق). کلمه «یوق» که در اصل «یوقی» بوده، مضارع مجهول از مصدر «وقایه» است که به معنای «حفظ کردن» است. لذا، معنای آیه چنین است: هر کس که خدا او را از شر تنگچشمی و بخل حفظ فرماید، نه خودش از بذل مال مضایقه دارد، و نه از اینکه دیگران مالدار شوند، ناراحت میشود؛ چنین کسانی رستگارانند (طباطبایی، 1374، ج 19، صص 357-358).

پس، حرص به مال یکی از رذیلتهایی است که مانع میشود که انسان اهل انفاق باشد.

بخل

بخل یکی دیگر از مواع انفاق است و تفاوت آن با حرص به مال در این است که در حرص بیشتر علاقه به کسب مال بیشتر لحاظ شده است و در بخل بیشتر علاقه به نگهداری و خرج نکردن مال مطرح است.

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَ لَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ * إِن يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُخْفِكُمْ تَخْلُوا وَ يَخْرُجْ أَصْعَانَكُمْ * هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلْ وَ مَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ وَ اللَّهُ الْعَنِي وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا

يَكُونُوا أُمَّتًا لَكُمْ* ؛ زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست، و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید، [خدا] پاداش شما را مدهد و امواتان را [در عوض] نمخواهد* اگر [اموال] شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند، بخل مورزید، و کینههای شما را برملا میکند* شما همان [مردمی] هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شدهاید. پس، برخی از شما بخل مورزند، و هر کس بخل ورزد، تنها به زیان خود بخل ورزیده، و [گرنه] خدا بنیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید، [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود*(محمد:38-36)

ترس از فقر

یکی دیگر از موانع انفاق بیاعتمادی به وعدههای الهی و ترس از فقر است؛ یعنی، فرد میترسد که مبادا با بذل مال، خودش دچار فقر شود و نیازمند شود. این امر فریب شیطان است و در آیه زیر چنین بیان شده است:

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَوَصَلَاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ* يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ* وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ* ؛ شیطان، شما را از تهیدستی بیم مدهد و شما را به زشتی وامدارد و [الی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش مدهد، و خداوند گشایشگر داناست* [خدا] به هر کس که بخواهد، حکمت میبخشد، و به هر کس حکمت داده شود، بهیقین، خیری فراوان داده شده است و جز خردمندان کسی پند نمیگیرد* و هر نفقهای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کردهاید، قطعاً خداوند آن را مداند، و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.*(بقره:270-268)

تنگنظری

یکی دیگر از موانع انفاق تنگنظری است؛ یعنی، فرد از گشادهنظری که بر اساسش خیر را برای همه بخواهد، برخوردار نیست و خودش را بر هر کس دیگری ترجیح میدهد. این خودپسندی او را به بخل میکشاند و از انفاق دور میسازد. درباره تنگنظری میخوانیم:

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَنُورًا ؛ بگو: اگر شما مالک گنجینههای رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرجکردن قطعاً امساک مورزیدید، و انسان همواره بخیل است. (اسراء:100)

به تعبیر طباطبایی، «کلمه "قتور" به معنای "بخیل" تفسیر شده، البتّه، بخیلی که بخل را به نهایت رسانده باشد، و در مجمع البیان گفته: کلمه "قَتْر" به معنای تنگی است، و قَتور مبالغه در همان معنا است ... که فلانی در خرج کردن امساک میکند». (طباطبایی، 1374، ج 13، ص 293)

باورهای خطا و مسؤلیت‌ناپذیری

یکی دیگر از موانع انفاق این است که مسؤلیت‌پذیری اجتماعی در انسانها کمتر شود و هر کسی فقط به فکر منافع خودش باشد. این را به این باور خطا بیفزایید که برخی برای توجیه تنگنظری خود و برای شانه خالی کردن از زیر بار مسؤلیتشان بیان میکردند که اگر فقرا شایستگی داشتند، خدا خودش به آنان عطا میکرد. این مطلب در آیه زیر آمده است:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُ إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ؛ و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده‌اند، به آنان که ایمان آورده‌اند، مگویند: آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا سخواست، [خودش] وی را مخورانید؟ شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید. (یس: 47)

دوری از ذکر خدا و تعلق شدید به اموال و اولاد

یکی دیگر از اموری که مانع انفاق میشود تعلق شدید به اموال و فرزندان است، به گونه‌ای که مال اصالت مییابد و فرد فقط جمع میکند که داشته باشد. همچنین، فرزندان و آینده آنان چندان اصالت مییابد که فرد را از اندیشیدن به وضعیّت معیشت و زندگی انسانهای دیگر غافل میکند. در آیه‌های از قرآن در این باره می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ * وَ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ * ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنهار!] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند * و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: پروردگارا! چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟ * (منافقون: 9-10)

تکبر و فخر فروشی

طبق برخی آیات قرآن، یکی دیگر از موانع انفاق تکبر و فخر فروشی است. به عنوان مثال، به این آیات توجه کنید:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ؛ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا * الَّذِينَ يَخْلَوْنَ وَبِأَمْرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَكَفُّمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا * وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا قَرِيبًا * وَمَا دَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا * إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا *؛ و خدا را بپرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و

مادر احسان کنید و دربارهی خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و درراهمانده و بردگان خود [نیکی کنید]، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست ندارد: * همان کسانی که بخل مسوزند، و مردم را به بخل وامدارند، و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته، پوشیده مدارند؛ و برای کافران غذایی خوارکننده آماده کرده ایم * و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق میکنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند؛ و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است * و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان مآوردند و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق مسکردند، چه زبانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] آنان داناست * در حقیقت، خدا هموزن ذرّهای ستم نمکند و اگر [آن ذره کار] نیکی باشد، دوچندانیش میکند و از نزد خویش پاداشی بزرگ مبخشد. * (نساء: 36-40)

همانطور که میبینید، در وصف متکبران فخر فروش به وجود بخل در آنان اشاره شده است.

مفاهیم مرتبط با حوزه معنایی انفاق در قرآن

با مطالعه برخی آیات قرآن درمیابیم که مفهوم قرآنی «انفاق» با برخی مفاهیم اساسی دیگر در قرآن حوزه معنایی مرتبط دارد، به نحوی که انفاق یکی از مؤلفه های اصلی در ساختمان معنایی آن مفاهیم قرآنی محسوب میشود. بر اساس آیاتی که در ادامه میآیند، مفهوم «انفاق» جایگاه مهمی در ساختمان معنایی مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و إخبارات دارد. اکنون به بررسی این آیات میپردازیم:

انفاق؛ یکی از مؤلفه‌های ایمان

یکی از اوصاف اهل ایمان در قرآن انفاق است، به طوری که گویی نمیتوان بدون برخورداری از فضیلت «انفاق» ادعای ایمان داشتن کرد. به عنوان مثال، در آیه زیر انفاق از ویژگی‌های اصلی مؤمنان حقیقی قلمداد شده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا؛ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ *؛ مؤمنان همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل میکنند * همانان که نماز را به پا میدارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق میکنند * آنان هستند که حقا مؤمنند؛ برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود. *(انفال: 4-2)

پس، انفاق یکی از مؤلفه‌های اصلی ایمان محسوب میشود. آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارند که در آنها به این مطلب اشاره شده است.¹⁴

انفاق، یکی از مؤلفه‌های تقوا

در آیات قرآن، هنگام وصف تقوایندگان به انفاقکردن آنان اشاره شده است. به عنوان مثال، در قرآن میخوانیم:

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. *؛ این است کتابی که در [حقیقت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایندگان است؛ * آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا میدارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق میکنند. *(بقره: 3-2)

پس، انفاق یکی از مؤلفه‌های اصلی تقواست.¹⁵

انفاق؛ یکی از مؤلفه‌های احسان

در وصف محسنان نیز انفاق جایگاه والایی دارد و نیل به احسان بدون برخورداری از انفاق ممکن نیست. به عنوان مثال، در آیه‌های از قرآن آمده است:

وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، أُعِدَّتْ لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ *؛ و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید! * همانان که در فراخی و تنگی

¹⁴. ابراهیم/31، سجده/16-15، حدید/7

¹⁵. آیات 15-17 سوره العمران نیز برای تبیین این مطلب مفیداند.

انفاق میکنند و خشم خود را فرو مبرند و از مردم درمگذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد.* (العمران: 133-134)
در آیات فوق تقوایبندگان وصف شده‌اند و، سپس، کسانی که مجموع این واوصاف را دارند، «مُحْسِن» نامیده شده‌اند. پس، انفاق از مؤلفه‌های اصلی احسان نیز به شمار می‌آید.¹⁶

انفاق؛ یکی از مؤلفه‌های اِخْبَات

«اِخْبَات» عبارت است از نرمی و تذلل در برابر خدا، در عین استحکام شخصیتی. به بیان علامه طباطبایی، منظور از اِخْبَات مؤمنین به سوی خدا، اطمینان و آرامش یافتنشان به یاد او و تمایل دل‌هایشان به سوی او است، به طوری که ایمان درون دلشان متزلزل نگشته، به این سو و آن سو منحرف نشوند و دچار تردید نگردند، همانطور که زمین محکم این چنین است، و اشیایی را که بر گردهی خود دارد نملغزاند (طباطبائی، 1374، ج 10، ص 287). جالب‌توجه است که، طبق آیه زیر، یکی از ویژگی‌های مُخْبِتَانِ انفاق در راه خداست:

... وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * ؛ و فروتنان را بشارت ده * همانان که چون [نام] خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید، صبرپیشگانند و برپادارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق میکنند.* (حج: 34-35)
پس، انفاق از مؤلفه‌های اِخْبَات نیز هست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر کوشیدیم تا یکی از عوامل مؤثر فرهنگی در ایام هم‌گیری کووید 19 را با استفاده از آیات قرآنی بیان و بررسی کنیم. مفهوم قرآنی «انفاق» می‌تواند همواره در طول زندگی انسان، به‌ویژه در ایام ابتلائات خاصی چون کووید 19، تاثیر مهمی در ایجاد انسجام اجتماعی بین مومنان و کاهش آلام انسانها در فشارهای اقتصادی و معیشتی بگذارد. اکنون پرسش این است که بر اساس آیات قرآن، انفاق بایستی با چه کیفیتی و با لحاظ چه لوازمی به جامعه معرفی گردد. در این مقاله به نتایج زیر درباره الزامات فرهنگی انفاق در قرآن دست یافتیم:

- ✓ انفاق باید فقط در راه خدا و برای کسب رضای او باشد.
- ✓ انگیزه‌های شخص انفاق‌کننده نقش بسزایی در انفاق دارند و انفاق نامؤمنان پذیرفته نمی‌شود.

¹⁶. آیه 195 از سوره بقره نیز میتواند در این باره مفید باشد.

- ✓ انفاق باید به دور از مَنّت، اذیت و ریا باشد.
- ✓ در انفاق باید طریق اعتدال پیمود و، لذا، نه اسراف در انفاق پذیرفتنی است و نه بخل.
- ✓ بهترین انفاق، انفاق بهموقع و سریع است.
- ✓ انفاق پنهانی بهتر از انفاق آشکاراست و موجب حفظ آبروی کسانی میشود که به آنان انفاق میشود..
- ✓ بر انفاق باید نگاه توحیدی حاکم باشد و انفاقکننده بداند که از مالی که خدا در اختیار او قرار داده است، میبخشد و او فقط وسیله است.
- ✓ واسطه‌گری در انفاق بسیار مهمّ است و اگر کسی خودش هم توان انفاق نداشته باشد، میتواند از این طریق در این فرهنگ انفاق مشارکت کند.
- ✓ انفاق باید از طیبها و محبوبها انجام شود و انفاق از چیزهای کم‌ارزش شایسته نیست.

همچنین، آثار و نتایج انفاق را از آیات قرآن استخراج کردیم. بیان این آثار و نتایج دنیوی و اخروی کمک خواهد کرد تا فرهنگ انفاق، بیش از پیش، توسعه و ترویج یابد. اهمّ آثار و نتایج انفاق در قرآن از این قرارند:

- ✓ بازگردانده شدن کامل (توفیة) مال انفاقشده.
- ✓ مُضَاعَف شدن و وسعت مال.
- ✓ اجر عظیم.
- ✓ مغفرت.
- ✓ فضل.
- ✓ رحمت.
- ✓ بیخوفی و بیحزنی.
- ✓ تکفیر (پوشانیده شدن) گناهان.
- ✓ ایتای حکمت.
- ✓ عاقبت نیکو و بهشت.

علاوه بر این، در این مقاله برخی موانع انفاق را که عمدتاً موانع روانی و تربیتی در ساختمان شخصیتی افرادند و به نوع نگرش آنان مربوطند، از آیات قرآن استخراج کردیم. این موانع عبارتند از:

- ✓ حرص به مال
- ✓ بخل
- ✓ ترس از فقر
- ✓ تنگنظری

- ✓ باورهای خطا و مسؤلیت‌ناپذیری
- ✓ دوری از ذکر خدا و تعلق شدید به اموال و اولاد
- ✓ تکبر و فخرفروشی

سرانجام، با اشاره به اهمّیت انفاق بیان کردیم که برخی مفاهیم اساسی در قرآن با حوزه معنایی انفاق در قرآن ارتباط مستقیم دارند و انفاق در ساختمان معنایی آنها جایگاه ویژه‌ای دارد. در این باره گفتیم که مفهوم «انفاق» جایگاه مهمّی در ساختمان معنایی مفاهیمی چون ایمان، تقوا، احسان و إخبارات دارد.

منابع

1. قرآن کریم. ترجمه مهدی فولادوند.
2. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. *مفردات ألفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم. چاپ اول. (1412 قمری).
3. طباطبائی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلد‌های 2 و 10 و 13 و 19. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم. (1374).